

مُلَخَّص رسالة:

«حقوق دعت إليها الفطرة وقررتها الشريعة»^١

للعلامة: محمد بن صالح العثيمين رَحِمَهُ اللهُ

چکیده‌ای از کتابچه: «حقوقی که فطرت و سرشت به سوی آن فراخوانده و شریعت و دین اسلام آن را تأیید نموده است».

تألیف: محمد بن صالح العثيمين رَحِمَهُ اللهُ.

اللُّغة:	العربیَّة - الإنجلیزیَّة	عربی - فارسی	لغة:
المناطق المُستهدفة باللُّغة:			مناطق نیازمند به این لغة:
ترجمة:			ترجمه توسط:
مراجعة:	القسم العلمي بمعهد السنة	بخش علمی معهد سنت	بازنگری:
إشراف:	د. هیثم سرحان	دکتر هیثم سرحان	نظارت:
النسخة والسنة:	الأولى - ١٤٤٣ هـ	اول - ١٤٤٣ هـ	چاپ و سال:



الطبعة الأولى

الحقوق متاحة لكلّ مسلمٍ ومسلمةٍ

الرجاء التّواصل على: islamtorrent@gmail.com

فسح وزارة الإعلام





اولین حق: حق الله متعال

أَنْ تَعْبُدَهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَتَكُونَ عَبْدًا مُتَذَلِّلًا خَاضِعًا لَهُ، مُمْتَثِلًا لِأَمْرِهِ، مُجْتَنِبًا لِنَهْيِهِ، مُصَدِّقًا بَخِيرَهُ.

اینکه الله یکتا و بی شریک را عبادت کنی و بنده‌ی خاکسار و فروتنی در برابر او باشی و از او فرمان بیری و از آنچه نهی فرموده، پرهیزی و سخنش را تصدیق نمایی.

عَقِيدَةُ مُثْلَى، وَإِيمَانُ بِالْحَقِّ، وَعَمَلٌ صَالِحٌ مُثْمَرٌ.

این، عقیده‌ای والا، ایمانی راستین و عملی شایسته و ثمربخش است.

عَقِيدَةُ قِوَامِهَا: الْمَحَبَّةُ وَالْتَّعْظِيمُ، وَثَمَرَتُهَا: الْإِخْلَاصُ وَالْمُثَابَرَةُ.

عقیده‌ای بر پایه‌ی محبت و تعظیم که ثمره‌اش اخلاص و وارستگی، و پایبندی و استقامت بر کردار نیکوست.

دومین حق: حق رسول الله ﷺ

تَوْقِيرُهُ، وَاحْتِرَامُهُ، وَتَعْظِيمُهُ؛ التَّعْظِيمُ اللَّائِقُ بِهِ، مِنْ غَيْرِ غُلُوٍّ وَلَا تَقْصِيرٍ.

گرامی داشت آن بزرگوار و حفظ احترام و جایگاه رفیعش؛ و نیز بزرگداشت به دور از افراط و تفریط.

وَتَصْدِيقُهُ فِيمَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ الْمَاضِيَةِ وَالْمُسْتَقْبَلَةِ، وَامْتِثَالُ مَا بِهِ أَمَرَ، وَاجْتِنَابُ مَا عَنْهُ نَهَى وَزَجَرَ، وَالْإِيمَانُ بِأَنَّ هَدْيَهُ أَكْمَلُ الْهَدْيِ، وَالِدِّفَاعُ عَنْ شَرِيعَتِهِ وَهَدْيِهِ.

و تصدیق وی بر آنچه از اموری که در گذشته رخ داده و در آینده رخ خواهد داد، و عمل به آنچه دستور داده و دوری از آنچه نهی کرده و پرهیز داده است، و ایمان به اینکه راه و روش وی بهترین راه و روش‌هاست، و دفاع از شریعت و راه و روش ایشان ﷺ.

الحق الثالث: حق الوالدين

سومین حق: حقوق والدین - پدر و مادر -

أَنْ تَبْرَهُمَا، وَذَلِكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمَا قَوْلًا وَفِعْلًا، بِالْمَالِ وَالْبَدَنِ، وَتَمْتِثِلَ أَمْرَهُمَا فِي

نیکی به پدر و مادر در نحوه‌ی سخن گفتن و نیز به صورت عملی با حمایت مالی و بدنی از آنان؛ و همچنین حرف‌شنوی و اطاعت از آنها در غیر

غیر معصیة الله، وفي غير ما فيه ضررٌ
عليك.
معصیت و نافرمانی الله متعال، یا در مواردی که
اطاعت از آنان به زیان تو منجر شود.

الحقُّ الرَّابِعُ: حقُّ الأولاد

چهارمین حق: حق فرزندان

(١) التَّربِيَةُ؛ وهي تنمية الدِّين والأخلاق في نفوسهم، حتَّى يكونوا على جانبٍ كبيرٍ من ذلك.
(٢) أن يُنْفَقَ عليهم بالمعروف، من غير إسرافٍ ولا تفصيرٍ.
(٣) ألا يُفْضَلَ أحدٌ منهم على أحدٍ في العطايا والهبات.
(١) تربیت: که عبارتست از پرورش دین و اخلاق آنان؛ به گونه‌ای که در زمینه‌ی دین و اخلاق، وضعیت خوب و شایسته‌ای داشته باشند.
(٢) نفقه و تامین نیازهای مادی فرزندان به نیکی بدون افراط و تفریط.
(٣) فرق نگذاشتن در میان فرزندان از نظر عطا و بخشش.

الحقُّ الخامس: حقُّ الأقارب

پنجمین حق: حق نزدیکان و خویشاوندان

أن يصل قربه بالمعروف؛ ببذل الجاه، والنفع البدني، والنفع المالي بحسب ما تتطلبه قوّة القرابة والحاجة.
بدین‌سان که به‌خوبی با خویشانش رابطه داشته باشد و از حمایت اجتماعی، جسمی و مالی آنان متناسب با قرابت و شرایط موجود دریغ نکند.

الحقُّ السَّادس: حقُّ الزَّوجين

ششمین حق: حق زناشویی

أن يعاشر كلُّ منهما الآخر بالمعروف، وأن يبذل الحقَّ الواجب له بكلِّ سُمُوحَةٍ وسهولةٍ، من غير تکرهٍ لبذله ولا مُماطلةٍ.
من حقوق الزَّوجة على زوجها: أن يقوم بواجب نفقتها من الطَّعام والشراب والكسوة والمسكن وتوابع ذلك، وأن يعدل بين الزَّوجات.
زن و شوهر با یک‌دیگر معاشرت و رفتار پسندیده‌ای داشته باشند، و هر یک از زوجین با نیک‌اندیشی، آسانی، بدون تنفر در مقابل بخشش و دریغ نمودن در ادای حقوق با طیب خاطر حق شریک زندگی‌اش را ادا کند.
از جمله‌ی حقوق همسر بر شوهرش این است که نفقه‌ی واجبش از جمله: خوراک، لباس، مسکن و نیازهای متعارف او را تأمین کند و در میان همسرانش عدالت را رعایت نماید.

از جمله‌ی حقوق شوهر بر همسرش این است که از وی در چارچوب اطاعت از الله متعال -که معصیت و گناه نیست-، حرف‌شنوی داشته و نگهبان آبرو و ثروتش باشد و از کارهایی که به روابط زناشویی و کمال کام‌جویی زن و شوهر از یک‌دیگر لطمه می‌زند، دوری نماید.

من حقوق الزَّوج على زوجته: أن تطيعه في غير معصية الله، وأن تحفظه في سرِّه وماله، وألا تعمل عملاً يضيِّع عليه كمال الاستمتاع.

هفتمین حق: حقوق حاکمان و مردم

حقوق مردم بر زمام‌داران، این است که: حاکمان امانتی را که الله متعال به آنها سپرده است، به‌درستی ادا کنند؛ از جمله: خیرخواهی برای شهروندان و پیشه کردن راه مومنان، یعنی راه و روشی که مصالح دنیا و آخرت مردم را تامین می‌کند. و حقوق حاکمان بر مردم این است که انسان نسبت به ماموریت‌ها و وظایفی که از سوی زمام‌دارانش دریافت می‌کند، امانت‌دار و خیرخواه باشد و چنانچه زمام‌داران دچار لغزش و غفلت شدند، آنان را متذکر گردد، و اگر از حق دور شدند برایشان دعای اصلاح نماید و در چارچوب اطاعت از الله متعال، از آنان فرمان ببرد و یاری‌گر آنان باشد.

الحقُّ السَّابِعُ: حقُّ الولاية والرَّعيَّة

حقوق الرَّعيَّة على الولاية: أن يقوموا بالأمانة التي حمَّلهم الله إياها، وألزمهم القيام بها؛ من النَّصح للرَّعيَّة، والسَّير بها على النَّهج القويم الكفيل بمصالح الدُّنيا والآخرة، وذلك باتِّباع سبيل المؤمنين.

حقوق الولاية على الرَّعيَّة فهي: النَّصح لهم فيما يتولَّاه الإنسان من أمورهم، وتذكيرهم إذا غفلوا، والدُّعاء لهم إذا مالوا عن الحقِّ، وامتنال أمرهم في غير معصية الله، ومُساعدتهم.

هشتمین حق: حق همسایگان

همسایه: آنکه منزلش به منزلت نزدیک باشد؛ با احسان و نیکی به وی از طریق حمایت اجتماعی و مالی یا خدمت کردن و فایده رساندن به او، و خودداری از اذیت و آزار زبانی و رفتاری با وی.

الحقُّ الثَّامن: حقُّ الجيران

الجار: هو القريب منك في المنزل، يُحسِن إليه بما استطاع من المال والجاه والنَّفْع، ويكفُّ عنه الأذى القوليَّ والفعلیَّ.

(١) إن كان قريباً منك في النَّسب وهو مسلمٌ؛ (١) اگر همسایه‌ی انسان، خویشاوند و مسلمان

فله ثلاثة حقوق: حقُّ الجوار، وحقُّ القرابة، وحقُّ الإسلام.

(٢) إن كان مسلمًا وليس بقريبٍ في النَّسَب؛ فله حقَّان: حقُّ الجوار، وحقُّ الإسلام.

(٣) وكذلك إن كان قريبًا وليس مسلمًا؛ فله حقَّان: حقُّ الجوار، وحقُّ القرابة.

(٤) إن كان بعيدًا غير مسلمٍ فله حقٌّ واحدٌ: حقُّ الجوار.

باشد، علاوه بر حق همسایگی، حق خویشاوندی و حق مسلمانی هم دارد.

(٢) اگر همسایه‌ی انسان، مسلمان باشد؛ ولی خویشاوندش نباشد، دو حق دارد: حق همسایگی و حق اسلام.

(٣) همچنین اگر خویشاوند بوده ولی غیر مسلمان باشد، دو حق را دارد: حق همسایگی و حق خویشاوندی.

(٤) اما اگر خویشاوند نبوده و غیر مسلمان باشد، یک حق را دارد: آن هم حق همسایگی.

الحقُّ التَّاسِعُ: حقُّ المسلمین عموماً

نهمین حق: حقوق عموم مسلمانان

از جمله: سلام کردن به مسلمانی که می‌شناسی یا نمی‌شناسی، و نیز اجابت کردن دعوتی‌اش، و چون درخواست نصیحت کرد، نصیحتش کنی؛ و وقتی عطسه زد و الحمد لله گفت، برایش دعا کنی - و در جوابش «یرحمک الله» بگویی -، چنانچه بیمار شد، به عیادتش بروی و چون وفات نمود در تشییع جنازه‌اش حاضر شوی. و از اذیت و آزار مسلمان دوری کنی.

حقوق مسلمان بر سایر مسلمانان، فراوان است؛ این مفهوم گسترده و فراگیر در فرمایش رسول الله ﷺ جای دارد که فرموده‌اند: «مسلمان، برادر مسلمان است»؛ لذا به مقتضای این اخوت و برادری می‌کوشد که به هم‌کیش مسلمانش نفع و فایده برساند و از آنچه که به مسلمان زیان می‌رساند، دوری نماید.

منها السَّلام، وأن تجيبه إذا دعاك، وأن تنصحه إذا استنصحك، وأن تشمته إذا عطس فحمد الله، وأن تعوده إذا مرض، وأن تتبَّعه إذا مات، وأن تكفَّ الأذى عنه.

حقوق المسلم على المسلم كثيرة، ويمكن أن يكون المعنى الجامع لها هو قوله ﷺ: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ»؛ فَإِنَّهُ مَتَى قَامَ بِمُقْتَضَى هَذِهِ الْأُخُوَّةِ اجْتَهِدْ أَنْ يَتَحَرَّى لَهُ الْخَيْرُ كُلَّهُ، وَأَنْ يَجْتَنِبَ كُلَّ مَا يَضُرُّهُ.

الحقُّ العاشر: حقُّ غير المسلمين

يُجِبُّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَحْكُمَ فِيهِمْ بِحُكْمِ الْإِسْلَامِ فِي النَّفْسِ وَالْمَالِ وَالْعَرَضِ، وَأَنْ يُقِيمَ الْحُدُودَ عَلَيْهِمْ فِيمَا يَعْتَقِدُونَ تَحْرِيمَهُ، وَيُجِبُّ عَلَيْهِ حِمَايَتَهُمْ وَكَفُّ الْأَذَى عَنْهُمْ.

دهمین حق: حق غیر مسلمانان

بر زمامدار مسلمانان واجب است که در زمینه‌ی جان و مال و آبروی آنان طبق حکم اسلام عمل کند و در مسایلی که قایل به حرمت آن هستند، مجازات‌ها و مقررات را اجرا نماید، و از آنها حمایت کند و از اذیت و آزار آنان بپرهیزد.

وَيُجِبُّ أَنْ يَتَمَيَّزُوا عَنِ الْمُسْلِمِينَ فِي اللَّبَاسِ، وَأَلَّا يُظْهَرُوا شَيْئًا مُنْكَرًا فِي الْإِسْلَامِ، أَوْ شَيْئًا مِنْ شَعَائِرِ دِينِهِمْ؛ كَالنَّاقُوسِ، وَالصَّلَيبِ.

غیرمسلمانان در جامعه‌ی اسلامی، باید در پوشش و یا مظاهر اجتماعی، متفاوت از مسلمانان باشند و اجازه ندارند مظاهر دینی خود از قبیل ناقوس - بت - و صلیب را در انظار عمومی به نمایش بگذارند.

